

گونه‌شناسی تحلیلی تفریحات سلجوقیان ایران (۴۳۱-۵۹۰ق / ۱۰۴۰-۱۱۹۴م)

نوع مقاله: پژوهشی

سلیمان حیدری^۱ / رضا دریکوندی^۲

چکیده

سلجوقیان به‌عنوان بنیانگذاران یکی از دیرپاترین و تأثیرگذارترین دودمان‌های تاریخ میانه ایران، تا قبل از دستیابی به قدرت، در قامت جنگاوران قبیله‌ای، تحت سیطره حکومت‌های غالباً ترک‌تبار بودند. آنان در این دوره نه‌تنها با برخی از گونه‌های تفریحی که نزد ترکان مرسوم بود، آشنایی داشتند، بلکه متناسب با نوع این تفریحات و وضعیت خود، برخی از این سرگرمی‌ها را نیز انجام می‌دادند. قدرت‌یابی این قوم در ایران، شرایط مناسبی را برای بهره‌مندی آنان از مزیت‌های قدرت همچون کامرانی و خوشگذرانی فراهم کرد. پژوهش پیش رو تلاش دارد، با استفاده از روش تاریخی، به شناسایی و تحلیل تفریحات سلطنتی این عصر بپردازد. دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد سران سلجوقی و سایر وابستگان به دربار این حکومت، با اتکا به سه مؤلفه قدرت، ثروت و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، به تلفیق گونه‌های تفریحی سابق با تفریحات رایج در ایران پرداختند و از تمام ظرفیت‌های تفریحاتی همچون شکار، طنزپردازی، سیر و سیاحت، اسب‌دوانی، چوگان و شطرنج به‌منظور نشاط‌افزایی و شادی‌آفرینی بهره بردند. میزان استقبال آنان از این تفریحات تحت تأثیر مؤلفه‌هایی مانند علائق شخصی، ثبات یا ناپایداری دوره حکمرانی، ماهیت گونه‌های تفریحی و مطابقت یا مغایرت این گونه‌ها با عرف جامعه و احکام اسلام بود.

واژگان کلیدی: سلجوقیان ایران، شکار، شطرنج، تیراندازی، چوگان، تفریحات.

Analytical Typology of Royal Amusements of the Seljuqs of Iran (431–590 AH/ 1040–1194 AD)

Soleyman Heidari¹/ Reza Derikvandi²

Abstract

Saljuqids, as the founders of one of the longest-lasting and most influential dynasties in the history of Medieval Iran, before gaining power, were tribal warriors under the control of -mostly Turkic descend- governments. In this period, not only they were familiar with the entertainments common among the Turkic tribes, but also undertook some of them appropriately. Saljuqid's rise to power in Iran provided a convenient opportunity for them to enjoy the privileges of power such as pleasure and entertainment. The present article seeks to identify and analyze the royal entertainment in this period using the historical method. The results of the research show that the Seljuk leaders and the courtiers, relying on the three components of power, wealth, and rich Iranian-Islamic culture, combined their traditional forms of entertainment with already extant Iranian types of entertainment. They used recreational activities such as hunting, humor, tour, horseracing, polo, and chess to make people happy. The extent of Saljuqid adaptation of these entertainments was influenced by factors such as personal interests, the stability or instability of the government, the nature of the types of entertainment, and their compatibility or contradiction with the social customs and Islamic laws.

Keywords: Saljuqs of Iran, Hunting, Chess, Archery, Polo, Entertainment.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. *تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۳/۱ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۷/۸

۲. دانش‌آموخته دکتری ایران دوره اسلامی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

3. Associated professor of history Department, shiraz university, Shiraz, Iran,

Email: soleymanheidari@yahoo.com.

4. Ph.D. of History of Islamic Iran, Shiraz University, Shiraz, Iran, Email: derikvandyreza@gmail.com.

طرح مسئله

سلجوقیان خاندانی ترک‌تبار از طایفه بزرگ اغوز بودند که در نتیجه تحولات سیاسی ترکستان در نیمه دوم قرن چهارم قمری وارد جهان اسلام شدند و به تدریج به عنصری تأثیرگذار در عرصه تحولات سیاسی ایران بدل شدند. این قوم در جریان نبردهایی که بیش از یک دهه به طول انجامید، موفق شدند با شکست قطعی غزنویان در سال ۴۳۱ق بر خراسان و متعاقب آن بر سراسر فلات ایران مسلط شوند. طغرل بیگ محمد، به عنوان بانفوذترین شخص این خاندان، گرچه توانست با هدایت دیوانسالاران ایرانی حکومتی متمرکز را بنیاد گذارد، اما تحت فشار پیروان ترکمان خویش ناگزیر شد بر اساس سنت‌های ترکان بخش‌های مختلف قلمرو را بین دیگر رؤسای برجسته این قوم تقسیم کند. این امر باعث شکل‌گیری سلسله‌های محلی سلجوقی در مناطق مختلف قلمرو تحت سلطه این خاندان شد. سلطنتی که طغرل پایه‌گذاری کرد تا سال ۵۹۰ ق بر بخش اعظم قلمرو تاریخی ایران تداوم یافت. شعبه خاندان سلجوقی حاکم بر ایران، به دلیل نظارت بر سایر شاخه‌های این قوم تا دوره‌ای مشخص، به سلجوقیان بزرگ^۱ و به دلیل حکومت بر سرزمین‌های اصلی ایران به سلجوقیان ایران معروف شدند. قدرت این خاندان به‌رغم فراز و فرودهایی که در ساختار حکومت به وجود آمد، تا سال ۵۹۰ق همچنان تداوم یافت. این «نواخستگان»^۲ هنگامی که در ایران به سلطنت رسیدند، اطلاع‌چندانی از اصول ملوکداری و آداب و تشریفات مربوط به آن نداشتند. بنابراین، از جنبه‌های بسیاری فرهنگ برین ایرانی-اسلامی را سرمشق خود قرار دادند.^۳ یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی که مورد تقلید سلاطین این دودمان قرار گرفت، مسئله تفریحات بود. تفریح از ماده «فرح» به معنی باز شدن دل و خاطر به لذتی آنی و زودگذر و به معنای خوشحالی و لذت بردن و شادی بخشیدن است. تعریف اصطلاحی این واژه مشکل است، زیرا شادی کیفیتی نفسانی و وجدانی است که اصولاً تعریفی جامع ندارد. ولی با توجه به معنای لغوی آن می‌توان گفت تفریح عبارت است از آن دسته از فعالیت‌هایی که افراد در وقت آزاد و به خاطر بهبود وضع روحی و بازیافت توان فکری و تجدید نیرو انجام می‌دهند.^۴ تفریح در میان خاندان‌های حکومتگر در تاریخ میانه ایران به اندازه‌ای اهمیت داشت که اختیار آن صرفاً بر عهده خود سلاطین بود.^۵ در جامعه ترکان باستان سرگرمی‌هایی همچون شکار، شرابخواری و ترتیب دادن مجالس ضیافت نزد اشراف ترک رواج

1. David Durand Guedy, «New Trends in The Political History of Iran Under the Great Saljuqs (11th-12th Centuries)», *History Compass*, no. 13, 2015, p. 321.

۲. ابوالفضل بیهقی، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، ج ۲ (مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۶)، ص ۷۷۸.

۳. عبدالحسین زرین‌کوب، *روزگاران* (تهران: سخن، ۱۳۷۸)، ص ۴۶۱.

۴. جعفر وفا، «دین و تفریحات (۱)»، *پیام*، ش ۱۰۴ (زمستان ۸۹)، ص ۸۷.

۵. بیهقی، *تاریخ بیهقی*، ص ۱۸۶.

داشت. ^۱ سلجوقیان بعد از دستیابی به مقام سلطنت با تکیه بر قدرت و ثروتی که به دست آورده بودند،^۲ تعداد زیادی از سرگرمی‌های پیشینیان خود را با ایجاد تغییراتی در آنها برای آنکه مطابق با عرف جامعه و شریعت اسلام شوند، در پیش گرفتند و برخی از گونه‌های تفریحی را نیز از میراث ایرانی-اسلامی وام گرفتند. علاقه سلاطین این دودمان به سرگرمی‌های متنوع موجب شد که تشکیلات و مناصب مرتبط با این سرگرمی‌ها در دربار سلجوقی شکل بگیرد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر شناسایی گونه‌های تفریحی عصر سلجوقی و چگونگی بهره‌مندی طبقه اشراف از این تفریحات است. در این دوره گونه‌های تفریحی مختلفی شامل شکار، برگزاری مجالس ضیافت و شراب، سیر و سیاحت، طنزپردازی، اسب‌دوانی، تیراندازی، چوگان و نرد و شطرنج رواج داشت. اکثر این تفریحات متناسب با ماهیتی که داشتند به صورت گروهی انجام می‌شدند. در این گونه موارد همبازی سلاطین امرای نظامی، شخصیت‌های دیوانی و حاکمان محلی بودند. گذشته از اینکه تعدادی از این تفریحات صرفاً به برخی از سلاطین سلجوقی اختصاص داشتند، همه سلاطین به یک اندازه از تفریحاتی که مشترکاً بدان‌ها علاقه‌مند بودند، بهره نمی‌بردند. از کم‌وکیف تفریحاتی همچون شکار، اسب‌دوانی، ضیافت و چوگان باختن که از نظر شرعی و عرفی موردی نداشتند، در مقایسه با سرگرمی‌های مرسوم دیگری همچون مجالس باده‌نوشی، آگاهی‌های بیشتری وجود دارد.

در تحقیقات دیگر تنها اشاره‌ای پراکنده به برخی از مباحث این موضوع شده است. در پژوهش‌هایی همچون تاریخ اجتماعی روابط جنسی در ایران^۳ و شاهدبازی در ادبیات فارسی^۴ صرفاً حکایت‌هایی گزینشی از غلام‌بارگی و رفتارهای جنسی برخی از سلاطین سلجوقی آورده شده است. فلور در دیگر اثر خویش موسوم به بازی‌های ایرانی^۵ تمرکز عمده خود را بر بازی‌های جدید گذاشته، با این حال به کلیاتی از پدیده شکار و کارکردهای متنوع آن در تاریخ ایران اشاره کرده است. احمدوند و همکارانش در مقاله «طنزپردازان و شیوه‌های طنزپردازی در ایران عصر سلجوقیان»^۶ طنزپردازی را به‌عنوان شیوه‌ای که گروه‌های مختلف برای بیان مقاصد خود از آن بهره می‌برده، و نه به‌عنوان یک نوع تفریح، مطالعه کرده‌اند. همچنین در پژوهش «بازی چوگان در خلافت عباسی»^۷ که نویسنده به بررسی سرگرمی‌های

۱. لئو نیکلابویچ گومیلیف، تاریخ توران، ترجمه پرویز زارع‌شاهمرسی (تبریز: اختر، ۱۳۹۶)، ص ۷۳؛ فاروق سومر، تاریخ غزها، ترجمه وهاب ولی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰)، ص ۵۸۴، ۵۸۷.

۲. فتح بن علی بنداری، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه محمدحسین جلیل (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۶)، ص ۸.

۳. ویلم فلور، تاریخ اجتماعی روابط جنسی در ایران، ترجمه محسن مینوخرد (استکهلم: فردوسی، ۲۰۱۰).

۴. سیروس شمیسا، شاهدبازی در ادبیات فارسی (تهران: فردوسی، ۱۳۸۱).

5. Willem Floor, *Games Persians play* (Washington: mage publishers, 2011).

۶. عباس احمدوند، زهر صیامیان گرجی، فاطمه کارگر جهرمی، «طنزپردازان و شیوه‌های طنزپردازی در ایران عصر سلجوقیان»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۸، ش ۲۹ (پاییز ۱۳۹۵).

۷. علی منصوری حسوند، «بازی چوگان در خلافت عباسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اراک، ۱۳۹۴.

رایج در دربار خلافت عباسی پرداخته، به برخی از این گونه‌های تفریحی در دربار سلاطین و امرای سلجوقی اشاره‌ای کلی و غیرمستقیم شده است. نوآوری پژوهش پیش‌رو در این است که ضمن شناسایی گونه‌های تفریحی رایج در عصر سلجوقی، به بررسی و تحلیل کم‌وکیف آنها نیز پرداخته است.

تفریحات مرسوم عصر سلجوقی

شکار

شکار به‌عنوان عمده‌ترین تفریح سلاطین سلجوقی^۱ به‌قدری اهمیت داشت که تشکیلات مرتبط با آن در دربار شکل گرفته بود. حل و فصل تمام امور مربوط به شکار بر عهده «امیرشکار» بود،^۲ اموری از جمله تعیین زمان مناسب شکار،^۳ دستگیری، آموزش و هدایت اشکرها در شکارگاه،^۴ تهیه و جابه‌جایی مایحتاج اردوی شکار،^۵ حفاظت از نخجیرگاه و تأمین امنیت سلطان در هنگام شکار.^۶ تنوع اقلیمی قلمرو سلجوقیان موجب شده بود صیدگاه‌های گسترده و پرشکاری در نقاط مختلف قلمرو این دودمان همچون بغداد، همدان، اصفهان، خوزستان، اردبیل،^۷ فارس،^۸ چغانیان،^۹ سمنگان^{۱۰} و کاشمر شکل بگیرد.^{۱۱} نخستین شیوه شکار کردن شیوه جرگه بود که خود به دو روش انجام می‌شد. در روش نخست که نیازمند چابکی شکارگر و مهارت زیاد وی در به‌کارگیری سلاح‌های مختلف بود، حیوانات در فضای آزاد دنبال و صید می‌شدند.^{۱۱} این نوع از شکار معمولاً در هنگام سیر و سیاحت و سفرهای نظامی سلاطین سلجوقی صورت می‌گرفت که شکارکنان از منطقه‌ای به منطقه دیگر حرکت می‌کردند.^{۱۲} در روش دوم که راحت‌ترین نوع شکار نیز محسوب می‌شد، شکاریاران جانوران متعدد را در نخجیرگاه‌ها گردآوری و با استحکامات انسانی و طبیعی محصور می‌کردند تا سلاطین آنها را شکار کنند. ماهیت این نوع از شکار

۱. آن کاترین سوابن لمبتون، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، ج ۴ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱)، ص ۱۱.

۲. محمدمیرک بن مسعود حسینی منشی، ریاض الفردوس خانی، تصحیح ایرج افشار (تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۵)، ص ۱۶۷.

۳. احمد بن محمد غفاری کاشانی، تاریخ نگارستان، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی (تهران: کتابفروشی حافظ، ۱۴۰۴ق)، ص ۱۶۹.

۴. تاج‌الدین سبکی، معبد النعم و معبد النعم، مقدمه له صلاح‌الدین الهواری (بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۸ق)، ص ۴۲۸.

۵. ابوالحسن لامعی گرگانی، دیوان اشعار، تصحیح محمد دبیرسیاقی (تهران: اشراقی، ۱۳۵۵)، ص ۱۲.

۶. احمد تنوی، اصف‌خان قزوینی، تاریخ الفی (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۳۴۳.

۷. نام برخی از این شکارگاه‌ها در منابع آمده است. از جمله می‌بایست به شکارگاه گاوخونی در اصفهان و شکارگاه‌های چهارگانه رخس‌آباد، دورق و هندویان، مشهدکائی و حویزه در در خوزستان اشاره کرد. بنگرید به: حمدالله مستوفی، نزه القلوب، تصحیح گای لسترنج (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲)، ص ۳۴، ۴۹، ۵۵، ۷۲، ۸۲، ۱۱۰.

۸. ابوزید احمد بن سهل، فارس‌نامه (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۴)، ص ۲۹؛ زکریا بن محمد بن محمود قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳)، ص ۲۶۷.

۹. ابوعبدالله مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱)، ج ۲، ص ۴۱۱، ۴۴۰.

۱۰. علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار (تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱)، ص ۲۸۲.

۱۱. عمادالدین محمد بن واصل، تاریخ ایوبیان، ترجمه پرویز اتابکی، ج ۲ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸)، ص ۳۷۱.

۱۲. عزالدین بن اثیر، تاریخ کامل، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ج ۳۳ (تهران: علمی، ۱۳۷۱)، ص ۹۳.

ایجاب می‌کرد که حیوانات زیادی صید شود.^۱

دومین و مفرح‌ترین شیوه شکار که به دلیل آسیب‌های کمتری که در مقایسه با شکار جرگه داشت، بیشتر توصیه می‌شد، شکار کردن به کمک اشکرها^۲ بود. این شیوه از شکار مستلزم اقدامات زمان‌بر و دشواری همچون دستگیری و آموزش اشکرها بود. اگرچه اشکرها ذاتاً شکارگر بودند، این هنر اشکره‌داران بود که آنان را در صحنه شکار با انسان هماهنگ کنند.^۳ اشکره‌داران به‌منظور کسب این مهارت سالیان درازی را صرف مطالعه آثار موجود در این زمینه که دارای عناوینی همچون «بازنامه» و «شکارنامه» بوده، می‌کردند. پس از آنکه اشکرها‌های مختلفی همچون باز، عقاب، شاهین، راسو^۴ و شیر که غالب آنها بومی ایران بودند،^۵ با استفاده از ترفندهای خاصی دستگیر می‌شدند، فرایند آموزش آنها به شیوه‌هایی مانند شبیه‌سازی صحنه شکار آغاز می‌شد. وجود مناصبی همچون شاهین‌دار و یوزدار نشان می‌دهد که هر فرد مسئول آموزش یک اشکره بوده است.^۶ سرگرمی اصلی در این نوع از شکار تماشای صید حیوانات توسط اشکرها بود.^۷ اشکرها متناسب با جثه و استعدادشان برای شکار حیوانات مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفتند. سگ‌های شکاری توانایی شکار درندگانی همچون شیر و گرگ و پلنگ را داشتند.^۸ پرندگان شکاری مانند عقاب و شاهین نیز می‌توانستند مرغانی همچون کبوتر و کلنگ و پستانداران سبکی مثل خرگوش را صید کنند. برخی از سلاطین سلجوقی و حاکمان دست‌نشانده آنها حیوانات و مرغان غیرشکاری همچون گریه، کبوتر،^۹ قمری، بلبل، طوطی و هزارستان را نگهداری می‌کردند. بنابراین، مشخص است که همنشینی با حیوانات و مرغان شکاری و غیرشکاری نیز یکی از سرگرمی‌های رایج سلاطین محسوب می‌شد.^{۱۰} سلطان ملک شاه زمان‌های زیادی با این

۱. غیاث‌الدین خواندمیر، دستورالوزرا، تصحیح سعید نفیسی (تهران: اقبال، ۱۳۵۵)، ص ۱۵۴؛ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ (تاریخ ایران و اسلام)، تصحیح محمد روشن، ج ۲ (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۲)، ص ۱۴۸۰.

۲. به پرندگان و درندگان شکاری همچون شاهین، باز، یوز و سگ اشکره یا شکره گفته می‌شد. این اصطلاح از شکر کردن به معنی شکار کردن گرفته شده است. ابوالحسن نسوی، بازنامه، تصحیح علی غروی (تهران: مرکز مردم‌شناسی، ۱۳۵۴)، ص ۵۳.

۳. کیکاووس بن اسکندر عنصرالمعالی، قابوس‌نامه، تصحیح امین‌الدین بدری (تهران: کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۵)، ص ۸۱؛ غیاث‌الدین ابوالفتح عمر خیام نیشابوری، نوروزنامه، تصحیح مجتبی مینوی (تهران: بی‌نا، ۱۳۷۲)، ص ۵۶.

۴. نجم‌الدین راوندی، راحه‌الصدور و آیه‌السرور، تصحیح محمد اقبال، ج ۲ (تهران: علمی، ۱۳۶۳)، ۴۲۲.

۵. نسوی در زمره نگارندگان این آثار و از اشکره‌داران برجسته است که شصت سال از عمرش را صرف تحقیق و تکمیل معلومات خود در این زمینه کرده است. بنگرید به: نسوی، ص ۷۷، ۹۰.

۶. همان، ص ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۷.

۷. ابن بلخی، ص ۳۹۲، ۳۶۸، ۳۷۱.

۸. برای به دام انداختن یوز، صیادان چاه‌هایی را در مسیر رفت و آمد این حیوان حفر و بدین شیوه آن را شکار می‌کردند. عبدالهادی مراغی، منافع‌الحیوان، به کوشش محمد روشن (تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۸)، ص ۷۲، ۱۵۹، ۱۷۳.

۹. راوندی، ص ۱۸۳، ۲۴۵.

۱۰. نسوی، ص ۱۷۳.

۱۱. نجم‌الدین قمی، تاریخ‌الوزرا، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه (تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۳)، ص ۶۶.

۱۲. ابن واصل، ج ۲، ص ۴۷.

حیوانات و اشکره‌داران همنشین می‌شد.^۱ محمود دوم اوقات خود را به طعمه دادن و رسیدگی به امور اشکره‌ها اختصاص می‌داد.^۲ بنداری از محمد اول انتقاد می‌کند که آنقدر که به اشکره‌ها توجه دارد در انتخاب کارگزارانش دقت نمی‌کند.^۳ اگر بخواهیم گونه‌های صید را تقسیم‌بندی کنیم، علاوه بر حیوانات حلال‌گوشتی همچون آهو^۴ و پرندگانی مانند کبک،^۵ حیواناتی همچون شیر،^۶ خرگوش و روباه نیز صرفاً به صورت تفنی شکار می‌شد.^۷

برگزاری مجالس ضیافت و شراب

فضیلت مهمانی دادن در دین اسلام موجب شده است که منابع دیدگاه بسیار مثبتی در مورد آن داشته باشند.^۸ برگزاری مهمانی‌های باشکوه، پذیرایی شایسته از مهمان، دقت در انتخاب میزبان شایسته، پرهیز از کم‌خوری و پرخوری و رعایت احترام صاحب‌مجلس از جمله قواعد مهمانی دادن و مهمانی رفتن بود.^۹ در این دوره دارالضیافه‌های متعددی وجود داشت که بیشتر در مناسبت‌های مذهبی و به‌منظور پذیرایی از گرسنگان مورد استفاده قرار می‌گرفتند.^{۱۰} بنابراین، اکثر مهمانی‌هایی که طبقه درباری تدارک می‌دادند، در منازل شخصی آنان (کوشک‌ها) برگزار می‌شد.^{۱۱} کوشک بنایی سبک در یک یا دو طبقه بود که در نقاط خوش‌آب‌وهوا ساخته می‌شد و بیشتر برای مناسبت‌های ویژه همچون مهمانی‌ها از آن استفاده می‌گردید.^{۱۲} کوشک‌های مرغزار، معمور و نامیان در همدان،^{۱۳} میدان در اصفهان، آندرابه در مرو و باغ در شهر ری در زمره مهم‌ترین کوشک‌های این عصر بودند.^{۱۴} در مواردی نیز این مهمانی‌ها در

۱. ابوالحسن نیشابوری، *شکارنامه خسروی* (کتابخانه مجلس شورای اسلامی: شماره ثبت ۸۸۵۴)، ش ۱۲۶۴۶، ج ۳۶، برگ ب.

۲. از جمله این اشکره‌ها می‌بایست به سنقر، شاهین، باشه، شغال، یوز، باز، سگ، شیر، ببر و سیاه‌گوش اشاره کرد. بنگرید به: محمد شبانکاره‌ای، *مجمع الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۱۱۳؛ ظهیرالدین نیشابوری، *سلجوق‌نامه*، تصحیح میرزا اسماعیل افشار و محمد رضانی (تهران: اساطیر، ۱۳۹۰)، ص ۵۳؛ راوندی، ص ۲۰۵.

۳. بنداری، ص ۱۱۷.

۴. نیشابوری، *سلجوق‌نامه*، ص ۵۴؛ ابن اثیر، ج ۲۳، ص ۱۳۴.

۵. لامعی، ص ۱۲.

۶. شبانکاره‌ای، ص ۱۱۴.

۷. *تاریخ آل سلجوق در آناتولی*، تصحیح نادره جلالی (تهران: آینه میراث، ۱۳۷۷)، ص ۱۲۳.

۸. مجدالدین حائری، *زینت المجالس*، تصحیح احمد احمدی (تهران: کتابفروشی سنایی، ۱۳۴۲)، ص ۵۱۲.

۹. عنصرالمعالی، ص ۵۳، ۶۹.

۱۰. غیبات‌الدین خواندمیر، *مآثر الملوک* (تهران: رسا، ۱۳۷۲)، ص ۱۰۶-۱۰۷.

۱۱. عبدالرحمان بن خلدون، *العبر*، ترجمه عبدالحمید آیتی، ج ۲، چ ۴ (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۸۴؛ شهاب‌الدین حسن یزدی، *جامع التواریخ حسنی* (بخش *تاریخ سلجوقیان*)، تصحیح بلنت اوزقوزو گودنلی (تهران: ترجمه و نشر آثار هنری متن، ۱۳۹۹)، ص ۳۱۳.

۱۲. دیوید دیوراند گدی، «تاریخ اصفهان درباره جامعه ایران در عصر سلجوقی‌ها به ما چه می‌گوید»، در *سلجوقیان، ویراستار و گردآورنده* ادموند هرتسیک و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند (تهران: مرکز، ۱۳۹۵)، ص ۷۸-۷۹.

۱۳. یزدی، ص ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۲۸.

۱۴. راوندی، ص ۱۴۲، ۱۸۳، ۲۹۲.

مرغزارها برگزار می‌شد. ارسال شاه در سال ۵۶۰ق در مرغزار هزارخانی اصفهان ضیافتی برگزار کرد.^۱ غالب این مهمانی‌ها سه شبانه‌روز به طول می‌انجامید.^۲ در موارد خاصی نیز این مجالس تا هجده روز ادامه می‌یافت.^۳ عمده‌ترین غذای این مهمانی‌ها گوشت بود. نان نیز به مقدار زیاد پخته می‌شد.^۴ نقل، نیبذ،^۵ بادام و میوه از دیگر اقلام پذیرایی بودند.^۶ مهم‌ترین نوشیدنی شراب بود که معمولاً یک ساعت بعد از غذا به مهمانان تعارف می‌شد. در طول مهمانی با استفاده از گل‌های خوشبو فضای مجلس را معطر می‌کردند. همزمان مطربانی نیز به نواختن و خواندن مشغول می‌شدند تا اوقات خوشی را برای حاضران فراهم آورند. در پایان نیز هدایایی از جانب میزبان به مهمانان داده می‌شد.^۷

اگرچه هدف اولیه اکثر این ضیافت‌ها تفریح و سرگرمی بود، برگزارکنندگان آنها که غالباً کارگزاران حکومتی، امرا و وزرا بودند، انگیزه‌های دیگری نیز داشتند. مهم‌ترین انگیزه آنها جلب رضایت سلطان در جهت حفظ جایگاه و بعضاً ارتقای موقعیت خود بود.^۸ آنان به منظور تحقق این هدف، علاوه بر پذیرایی‌های شاهانه، هدایای گوناگونی شامل جواهرات و غلامان و کنیزان تقدیم سلاطین می‌کردند.^۹ ضیافت امیر عبدالرحمن طغایرک به افتخار سلطان مسعود^{۱۰} و ضیافت‌هایی که شرف‌الملک و نظام‌الملک به افتخار ملک شاه برگزار کردند، از جمله مهمانی‌هایی بودند که با این انگیزه برگزار شدند.^{۱۱} البته این نوع از مهمانی‌ها همیشه نتیجه دلخواه برگزارکنندگان را به همراه نداشت. چنانکه وقتی امیر ایاز به افتخار محمد اول چنین مهمانی‌ای را تدارک دید، به دلیل سهل‌انگاری غلامانش که قضاوت بدبینانه سلطان را به همراه داشت، جان خود را از دست داد.^{۱۲} قایماز کج‌کلاه، غلام خاص سنجر، به دلیل اختلافاتی که با فخرالملک بن نظام‌الملک داشت، در جریان مهمانی‌ای که فخرالملک به افتخار سنجر تدارک دیده بود، با سوءاستفاده از مستی سلطان، وزیر را به قتل رساند.^{۱۳}

دومین هدف از برگزاری این ضیافت‌ها عزل و نصب سلاطین بود. در چنین مواقعی چند امیر توانمند که

۱. علی بن ناصر حسینی، *زبده التواریخ*، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی (تهران: ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۰)، ص ۱۸۰.

۲. رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق)*، تصحیح محمد روشن، ج ۲ (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶)، ص ۵۲۶؛ یزدی، ص ۳۱۳.

۳. نیشابوری، *سلجوق‌نامه*، ص ۶۴.

۴. محمد بن حسن بن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، ج ۳ (تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶)، ص ۱۱۹.

۵. ابوبکر ازرقی، *دیوان اشعار*، تصحیح سعید نفیسی (تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۳۶)، ص ۹۵.

۶. ابن اسفندیار، ج ۳، ص ۱۲۰.

۷. یزدی، ص ۱۷۸؛ ابن اسفندیار، ج ۳، ص ۱۲۰.

۸. محمد معزی، *دیوان اشعار*، به سعی عباس اقبال (تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۱۸)، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ ابن خلدون، ج ۴، ص ۸۴.

۹. ابن اثیر، ج ۲۳، ص ۳۶۱؛ ناصرالدین منشی کرمانی، *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار در تاریخ وزرا*، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴)، ص ۷۲.

۱۰. نیشابوری، *سلجوق‌نامه*، ص ۵۸؛ راوندی، ص ۲۳۲-۲۳۳.

۱۱. معزی، ص ۳۳۰.

۱۲. ابن اثیر، ج ۲۳، ص ۳۶۰-۳۶۱.

۱۳. بنداری، ص ۳۱۹-۳۲۱.

معمولاً اختیار امور سلطنت را در دست داشتند، به دلیل نارضایتی از عملکرد سلطان وقت، با هماهنگی یکدیگر، اقدام به برگزاری مهمانی‌های صوری می‌کردند.^۱ عزل ملک شاه بن محمود و سلیمان شاه و گماشتن محمد دوم و ارسال شاه به مقام سلطنت توسط امرای قدرتمندی همچون خاصبک و گردبازو به همین روش انجام گرفت.^۲ سومین هدف از برگزاری چنین مهمانی‌هایی حذف مخالفان بود. هنگامی که با پیگیری‌های نصیرالدین خوارزمی، رئیس دیوان اشراف سنجر، قرار شد امیر جوهر به سبب دارایی‌های زیادش بازخواست شود، جوهر به توصیه امیر علی چتری ضیافتی به افتخار سنجر ترتیب داد و با این کار نه تنها از این مناظره خلاص شد، بلکه مدتی بعد نیز خوارزمی و پسرش را به قتل رساند.^۳ هنگامی که سید الرؤسا و ابوالمحاسن بن کمال‌الملک ابوالرضا درصدد ترغیب ملک شاه برای قتل وزیر برآمدند، نظام‌الملک با برگزاری یک مهمانی سلطان را قانع کرد که مفسدان را به قتل برساند.^۴ البته همه مهمانی‌هایی که با این نیت برگزار می‌شدند، موفقیت‌آمیز نبودند. زمانی که عزالدین صتماز و ناصرالدین آقش قصد داشتند تا بدین حربه شرف‌الدین گردبازو را دستگیر کنند، به دلیل رعایت جوانب احتیاطی از جانب گردبازو، تدبیر آنان با شکست مواجه شد.^۵ برخی از خلفا نیز به نشانه قدردانی از تلاش سلاطین نخستین سلجوقی در احیای جایگاه نهاد خلافت، ضیافت‌هایی را به افتخار آنان برگزار می‌کردند.^۶ همچنین در موقعیت‌های ویژه‌ای، مردم عادی و بزرگان شهرها افتخار مهمانی دادن به سلاطین را کسب می‌کردند. یکی از این موقعیت‌ها زمانی بود که سلاطین در مناطق دور از شهر به شکار می‌رفتند و در چنین شرایطی به صورت اتفاقی مهمان رعایا می‌شدند.^۷ در هنگام لشکرکشی‌های نظامی نیز بزرگان شهرهای درگیر جنگ یا مناطقی که در مسیر عبور سپاه قرار داشتند، سران سلجوقی و سپاهیان آنها را مهمان می‌کردند.^۸ خود سلاطین نیز بنا به دلایل مختلفی همچون مصالحه با حکام تابعه، دستگیری مخالفان،^۹ پیروزی‌های درخشان نظامی،^{۱۰} اعیاد مذهبی، رهایی از بیماری^{۱۱} و نکوداشت امرا مجلس ضیافتی برگزار می‌کردند.^{۱۲}

۱. همدانی، ج ۲، ص ۵۲۶.

۲. ابن اثیر، ج ۲۷، ص ۷۷-۷۸؛ بنداری، ص ۲۷۳.

۳. منشی کرمانی، ص ۷۲.

۴. تتوی، قزوینی، ص ۳۶۸.

۵. راوندی، ص ۲۷۷.

۶. بنداری، ص ۲۲.

۷. کمال‌الدین گازرگاهی، مجلس العشاق، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد (تهران: زرین، ۱۳۷۶)، ص ۲۹۵؛ ابن اثیر، ج ۲۵، ص ۱۲۶؛ حائری، ص ۱۵۵.

۸. بیهقی، تاریخ بیهق، ص ۲۷۰؛ تاریخ سیستان، تصحیح محمدتقی بهار (تهران: پدیده‌خاور، ۱۳۶۶)، ص ۳۶۸.

۹. حسینی، ص ۱۵۶، ۱۸۰.

۱۰. همدانی، ج ۲، ص ۲۶.

۱۱. ابن اثیر، ج ۲۴، ص ۲۱۰-۲۱۱.

۱۲. تتوی، قزوینی، ص ۳۶۴، ۳۹۲.

نوشیدن شراب از دیگر سرگرمی‌های این عصر بود که در حین این ضیافت‌ها یا به صورت مجزا انجام می‌گرفت. سلاطین سلجوقی رویکرد دوگانه‌ای در قبال مسئله شرابخواری داشتند. آنان در شرایطی مردم را از این کار منع می‌کردند که خود در این زمینه پیشرو بودند.^۱ در دربار سلجوقی اداره مجالس شراب بر عهده «شرابدار خاص» بود. او موظف به تهیه شراب مرغوب برای دربار بود.^۲ محل برگزاری مجالس شراب را که مزین به انواع تزئینات بود «بزمگاه»^۳ و «ساقی‌سرا» می‌گفتند.^۴ مجالس شراب به دو گروه خاص و عام تقسیم می‌شدند و دارای قواعد مشخصی بودند. توصیه می‌شد که مجلس شراب در مکان‌هایی فراخ، ترجیحاً فضایی باز، پاکیزه، معطر و معتدل برگزار شود.^۵ تعداد مدعوین کم باشد و مهمانان تنها در شرایطی همراه خویش شراب بیاورند که کیفیت شراب میزبان نامطلوب باشد.^۶ به منظور سلامتی فرد توصیه می‌شد که شراب سه ساعت بعد از صرف غذا نوشیده شود.^۷ البته افراط در باده‌گساری موجب می‌شد که این قواعد رعایت نشود. نوشیدن شراب به‌ویژه در بامداد پسندیده‌تر بود.^۸ سلاطینی همچون برکیارق، ملک شاه، محمود دوم و سلیمان شاه در نوشیدن شراب زیاده‌روی می‌کردند.^۹ اما برخی دیگر مانند محمد دوم، مسعود،^{۱۰} طغرل دوم^{۱۱} و آلبارسلان میانه‌رو بودند.^{۱۲} سلاطین سلجوقی هر زمان که تمایل داشتند شراب می‌نوشیدند. اما معمولاً در مناسبت‌هایی مانند جلوس به تخت سلطنت، ملاقات میان امرا با سلاطین،^{۱۳} پیروزی‌های درخشان بر دشمنان و مخالفان^{۱۴} و فراموش کردن اندوه ناشی از درگذشت عزیزان مجالس شراب ترتیب داده می‌شد.^{۱۵} امرای بزرگ که خود دارای شرابخانه‌های اختصاصی بودند، در مناسبت‌های مختلف هم‌پیلگان همیشگی سلاطین محسوب می‌شدند.^{۱۶} وزرای این عصر از جمله نظام‌الملک متهم به شرابخواری هستند. ابن فندق مدعی است نظام‌الملک تحت

۱. عطاملک جوینی، تاریخ جهانگشا، تصحیح محمد قزوینی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۵)، ص ۸۳.

۲. ابوعلی حسن نظام‌الملک طوسی، سیاست‌نامه، به اهتمام هیوبرت دارک (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷)، ص ۱۶۲.

۳. محمد حسینی یزدی، العراضه فی الحکایه السلجوقیه (قاهره: مطبعه المعارف، ۱۳۲۶ق)، ص ۱۳۹.

۴. افضل‌الدین کرمانی، سلجوقیان و غز در کرمان، تحریر میرزا ابراهیم خبیصی، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی (تهران: کورش، ۱۳۷۳)، ص ۴۰۶.

۵. اسماعیل جرجانی، ذخیره خوارزمشاهی، ج ۳ (قم: مؤسسه احیاء طب طبیعی، ۱۳۹۱)، ص ۴۷۲.

۶. نظام‌الملک طوسی، ص ۱۶۱.

۷. عنصرالمعالی، ص ۵۷.

۸. عبدالواسع جبلی، دیوان اشعار، تصحیح ذبیح‌الله صفا (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵)، ص ۲۱۱، ۲۶۰.

۹. حسینی، ص ۱۱۲؛ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۶۳؛ نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۶۶.

۱۰. راوندی، ص ۲۳۶ و ۲۵۹.

۱۱. بنداری، ص ۱۹۳.

۱۲. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۲۶.

۱۳. راوندی، ص ۲۵۹ و ۲۶۳.

۱۴. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۲۶.

۱۵. ابن اسفندیار، ج ۳، ص ۴۲.

۱۶. راوندی، ص ۲۶۱.

تأثیر اندرزه‌های یکی از بزرگان بیهقی از این کار توبه کرده بود.^۱ دیگر وزرای سلجوقی همچون قوام‌الدین درگزینی، عزالدوله شرف‌الدوله و عزالملک بن نظام‌الملک نیز شراخواره معرفی شده‌اند.^۲

سیر و سیاحت

سلجوقیان در اصل فرزندان دشت بودند.^۳ وضع زندگی این قوم را گله معین می‌کرد. آنان برای دستیابی به مرتع برای چهارپایان خویش^۴ ناگزیر بودند دائماً در حرکت باشند.^۵ بعد از دستیابی به قدرت و ثروت، این رفت و آمد آنان ماهیتی تفریحی یافت که از آن با تعبیری همچون «تفرج در مملکت»،^۶ «تفرج»،^۷ «سفر تماشا و تفرج»،^۸ «گردش»،^۹ «تماشا»^{۱۰} و «رسم سیر در کوه و دشت» یاد شده است.^{۱۱} تنوع اقلیمی قلمرو سلجوقیان که موجب شکل‌گیری تفرج‌گاه‌هایی نیکو در پیرامون شهرها شده بود،^{۱۲} به همراه مرغزارهای متعددی همچون بیضا، دشت ارژن، دارابجرد، کالان، رون، بهمن و مرغ شیدان در ایالت فارس،^{۱۳} قرانگین، کندمان و بلاسان در همدان، هزارخانی در اصفهان،^{۱۴} رادکان در طوس^{۱۵} و سو در زنجان بستر مناسبی برای این تفریحات فراهم کرده بود.^{۱۶} سلاطین سلجوقی آنچنان به این تفریح علاقه‌مند بودند که بیشتر عمر خود را در گشت و گذار پیرامون نقاط مختلف قلمروشان می‌گذراندند.^{۱۷} این تفریح به دو صورت انجام می‌گرفت. در شیوه اول در مرغزارها و تفرج‌گاه‌های متعدد قلمرو خود اسکان می‌گزیدند. محمود دوم در هر موضعی از عراق که مرغزاری بود نزول می‌کرد.^{۱۸} محمد دوم «تابستان در بیلاق همدان به سر می‌برد و زمستان در ساوه قشلاق می‌کرد.»^{۱۹} گزارش‌هایی نیز از

۱. بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۱۱۲.

۲. منشی کرمانی، ص ۵۲؛ قمی، ص ۱۰-۱۱، ۱۱.

۳. بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۷۰۸.

۴. رنه گروسه، امپراتوری صحرائنوردان، ترجمه عبدالحسین میکده (تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۵)، ص ۶۱.

۵. ابوالعباس بن فضال، سفرنامه، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی (تهران: شرق، ۱۳۵۵)، ص ۶۹.

۶. غفاری کاشانی، ص ۱۵۴.

۷. عبدالرحمن بن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱۶ (بیروت: بی‌نا، ۱۴۱۵ق)، ص ۲۰۵.

۸. محمد غزالی، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۱ (تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۴۶۱.

۹. ابن اثیر، ج ۲۵، ص ۲۸.

۱۰. طوسی، ص ۱۷۰.

۱۱. گازرگاهی، ص ۳۱۰.

۱۲. مقدسی، ج ۱، ص ۱۵۷، ۱۹۴؛ ج ۲، ص ۵۷۵، ۶۵۳.

۱۳. ابن بلخی، ص ۳۰۵، ۳۶۸-۳۷۱.

۱۴. راوندی، ص ۲۴۲، ۲۵۳، ۳۹۳۲۹۰؛ نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۸۱.

۱۵. فریدالدین عطار، الهی‌نامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی (تهران: سخن، ۱۳۸۸)، ص ۳۹۷.

۱۶. یزدی، ص ۳۲۸.

۱۷. لمبتون، ص ۱۱.

۱۸. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۵۳-۵۴.

۱۹. محمد بن خاوندشاه بن محمود (میرخواند)، روضه الصفا، تصحیح جمشید کیانفر، ج ۴ (تهران: اساطیر، ۱۳۸۵)، ص ۳۲۴۷؛ همدانی، ج ۲، ص ۵۲۸.

اسکان سه‌روزه سلطان سنجر در مرغزار رادکان^۱ و اردوی سه‌ماهه وی در دشت تروق طوس وجود دارد.^۲ در شیوه دوم شهرهای خوش آب‌وهوایی همچون بغداد را برای اسکان چندماهه انتخاب می‌کردند. آنان در چنین شهرهایی، با هدف خوش‌گذرانی و اسکان، کوشک‌ها و عمارت‌های^۳ متعددی می‌ساختند.^۴ مسعود در آخر پاییز سال ۵۴۳ق عازم بغداد شد^۵ و به مدت چهار ماه در این شهر اقامت گزید.^۶ ارسالان در شهرهای اصفهان، همدان، ساوه و تبریز اتراق می‌کرد.^۷

همنشینی با دلکان

رواج بازار طنزپردازی در این دوره به اندازه‌ای بود که راوندی قصد تألیف کتابی در موضوع مضاحک داشت.^۸ علاقه سلاطین سلجوقی به طنز موجب شکل‌گیری منصب «مسخرگی» شده بود.^۹ دلکان گروهی شناخته‌شده بودند که تعداد زیادی از آنان به خدمت سلاطین و اشراف درمی‌آمدند.^{۱۰} این افراد دارای لباس مخصوصی بودند که مهم‌ترین مشخصه آن جبهه صوفی و کلاه نم‌دی سرخ‌رنگ بود.^{۱۱} جعفرک، فلک،^{۱۲} علی مقابادی،^{۱۳} جمال زنگی^{۱۴} و ترشک از جمله دلکان معروف این عصر بودند.^{۱۵} علاوه بر این گروه که وظیفه اصلی آنها خندانن بود، کنیزکان مطرب، امرا^{۱۶} و برخی از سلاطین همچون سنجر، طغرل سوم و سلیمان شاه نیز در بعضی مواقع طنزپردازی می‌کردند.^{۱۷} از میان سلاطین سلجوقی، طغرل دوم و ارسالان شاه علاقه چندانی به هزل نداشتند.^{۱۸} البته چنانچه منابع بین هزل و مطایبه تفاوت گذاشته‌اند، احتمالاً این گروه از سلاطین صرفاً از طنز زنده دوری می‌گزیده‌اند.^{۱۹} با این حال، غالب آنان و به‌ویژه سلیمان شاه،

۱. عطار، ص ۲۹۷.

۲. احمد بن عمر نظامی، چهار مقاله، تصحیح محمد قزوینی، به کوشش محمد معین (تهران: ارمغان، بی‌تا)، ص ۶۴.

۳. در این دوره منازل زمستانی و تابستانی در شهرهای مختلف توسط حاکمان ساخته می‌شد. بنگرید به: ابن اسفندیار، ج ۳، ص ۱۲۲.

۴. ابوالعباس قلّشندی، مآثر الانافه فی معالم الخلافة، تحقیق عبدالستار احمد فرج، ج ۳ (بیروت: عالم الکتب، بی‌تا)، ص ۲؛ ابن اثیر، ج ۲۷، ص ۱۷۷.

۵. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۶۴.

۶. یزدی، ص ۳۰۸.

۷. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۸۱.

۸. راوندی، ص ۴۵۷-۴۵۸.

۹. منشی کرمانی، ص ۶۵.

۱۰. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۴۲.

۱۱. تنوی، قزوینی، ص ۳۶۲، ۳۹۲.

۱۲. بنداری، ص ۸۳، ۱۸۲.

۱۳. یزدی، ص ۱۲۱.

۱۴. شبانکاره‌ای، ص ۱۱۶.

۱۵. منشی کرمانی، ص ۶۵.

۱۶. قعی، ص ۸، ۱۰.

۱۷. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۷۲؛ راوندی، ص ۵۷؛ بنداری، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۱۸. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۵۴، ۷۴.

۱۹. شجاع شیرازی، انیس الناس، به کوشش ایرج افشار (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۲۰۵؛ حسینی یزدی، ص ۱۱۸.

مسعود و ملک شاه دوم سلاطینی هزل دوست معرفی شده‌اند که اوقات زیادی را با مسخرگان و مجانین می‌گذراندند.^۱ علاوه بر سلاطین سلجوقی، شاهزادگان، امرا و وزرا نیز علاقه زیادی به این تفریح داشتند و هر کدام دلگامی را به خدمت گرفته بودند.^۲ دعای شر و آرزوی مرگ برای سلاطین،^۳ اجرای حرکات موزون یا ادای کلماتی در هنگام محاکمه مغضوبان،^۴ تمسخر خصوصیات جسمانی افراد مانند کوتاهی، لاغری و چاقی،^۵ اظهارات جاهلانه و ساده‌لوحانه برخی از کارگزاران کم‌مایه حکومتی،^۶ پیش‌بینی‌های نادرست منجمان در مورد وقوع یک حادثه،^۷ مضامین جنسی،^۸ دادن پاسخ‌های محال به پرسش‌های مکرر درباره یک موضوع،^۹ توصیف جایگاه شکننده ندیمان و رفتار تندى که از جانب اربابانشان با آنها می‌شد، از مهم‌ترین دست‌مایه‌های دلگامی برای خندانان سلاطین بود.^{۱۰}

اسب‌دوانی و تیراندازی

جایگاه اسب در نزد این قوم مانند اهمیت شتر برای اعراب بود. رواج ضرب‌المثل‌های بسیار در مورد این حیوان در نزد ترکان از اهمیت آن حکایت دارد.^{۱۱} به صورت کلی، استعداد ترکان در سوارکاری زبانزد بود.^{۱۲} آنان بخش زیادی از عمرشان را برای جنگ، شکار و صحرانوردی بر روی اسب می‌گذراندند.^{۱۳} اهمیت سوارکاری از یک طرف و کاربرد گسترده این حیوان در صحنه‌های نبرد از طرف دیگر موجب شد که در این دوره به پرورش اسب توجه ویژه‌ای شود.^{۱۴} سلاطین سلجوقی دارای گله‌های اسب بودند که در مراتع و علفزارهای وسیع قلمروشان نگهداری می‌شدند.^{۱۵} در این دوره اسبان ممتازی^{۱۶} وجود

۱. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۵۵، ۲۵۰؛ شبانکاره‌ای، ص ۱۱۶.

۲. هندوشاه نخجوانی، تجارب السلف، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام توفیق سبحانی (تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷)، ص ۲۶۱؛ ابن خلدون، ج ۴، ص ۸۴؛ حسینی، ص ۶۸-۶۹.

۳. بنداری، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۴. یزدی، ص ۱۲۱.

۵. حسینی منشی، ص ۱۷۹؛ راوندی، ص ۵۷؛ لامعی، ص ۲۰.

۶. خواندمیر، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۷. نظامی، ص ۹۹-۱۰۰.

۸. شمس‌الدین سوزنی، دیوان اشعار، تصحیح ناصرالدین شاه‌حسینی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸)، ص ۹-۱۲؛ شهاب‌الدین ترمذی، دیوان اشعار، مقدمه علی قویم (تهران: کتابفروشی خاور، ۱۳۳۱)، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ اوحدالدین انوری، دیوان اشعار، به کوشش سعید نفیسی (تهران: سکه و پیروز، ۱۳۶۴)، ص ۳۷۷.

۹. کرمانی، ص ۳۹۶-۳۹۷.

۱۰. انوری، ص ۴۳۳.

۱۱. سومر، ص ۵۸۴.

۱۲. حسینی، ص ۴۶.

۱۳. گروسه، ص ۴۴.

۱۴. لمبتون، ص ۱۱.

۱۵. بنداری، ص ۱۴۱؛ میرخواند، ج ۴، ص ۳۱۵-۳۱۹.

۱۶. از برجسته‌ترین این اسبها می‌توان به اسب «بشار» و «مهلوب» اشاره کرد. بنگرید به: بنداری، ص ۸۷؛ تنوی، قزوینی، ص ۴۳۵.

داشت که از آنان با عنوان «اسب خاص» نام برده می‌شد.^۱ آوازه این اسبان که معمولاً به سلاطین و امرا تعلق داشتند، موجب می‌شد که شعرا به توصیف آنها بپردازند.^۲ اسبان ممتاز به عنوان هدیه‌ای فاخر^۳ به مناسبت‌های گوناگون همچون مراسم ازدواج سلاطین سلجوقی،^۴ جلوس سلطان جدید به تخت سلطنت،^۵ ایجاد سازش میان سلاطین سلجوقی با حاکمان محلی و سایر دست‌نشانگان خود^۶ و خرید پست و منصب به سلاطین پیشکش می‌شدند.^۷ البته در مواردی نیز سلاطین چنین اسبانی را به کارگزاران خویش پاداش می‌دادند،^۸ یا اینکه به منظور بهبود مناسبات با نهاد خلافت و افزایش مشروعیت خویش، اسبانی را به عنوان پیشکش تقدیم خلفا می‌کردند.^۹ اکثر سلاطین این دودمان افرادی ماهر در زمینه سوارکاری توصیف شده‌اند.^{۱۰}

سلاطین سلجوقی در هنگام شکار و سیر و سیاحت نیز اسب‌سواری می‌کردند. با این حال، ترتیب دادن مسابقات اسب‌دوانی مرسوم‌ترین شیوه پرداختن به این تفریح بود. این مسابقات که در میدان‌های هلالی شکل بزرگ واقع در پیرامون شهرهای بزرگ برگزار می‌شد،^{۱۱} به دو روش انجام می‌گرفت. در روش نخست خود سلاطین در این میدان‌ها اسب‌دوانی می‌کردند و در روش دوم سلاطین به تماشای مسابقاتی می‌پرداختند که میان اسب‌های ممتاز تدارک دیده می‌شد.^{۱۲} در مورد تیراندازی نیز می‌بایست اظهار داشت که تیر به عنوان سلاح بومی دشت‌های اوراسیا از جایگاه خاصی در نزد این قوم برخوردار بود.^{۱۳} این امر سبب شد که پس از قدرت‌یابی سلجوقیان، تیر و کمان به یکی از محبوب‌ترین نمادهای حک شده بر روی مسکوکات آنان بدل گردد.^{۱۴} مهارت سلاطین سلجوقی در تیراندازی و رواج این تفریح در عصر حکومت این خاندان،^{۱۵} اشپولر را بر آن می‌دارد که آنان را احیاگر سنت تیراندازان زبده ایران

۱. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۵۹.

۲. ترمذی، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ معزی، ص ۲۸۵.

۳. یزدی، ص ۳۰۸.

۴. حسینی منشی، ص ۱۶۱؛ یزدی، ص ۹۵.

۵. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۶۷؛ میرخواند، ج ۴، ص ۳۲۴۳.

۶. ابن واصل، ج ۱، ص ۳۸-۴۰؛ بنداری، ص ۲۶۰.

۷. راوندی، ص ۱۴۳؛ ابن واصل، ج ۱، ص ۷۸.

۸. نظامی، ص ۶۶-۶۷.

۹. میرخواند، ج ۴، ص ۳۱۵۳.

۱۰. راوندی، ص ۳۳۳.

۱۱. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، ص ۷ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷)، ص ۱۵.

۱۲. بنداری، ص ۸۹ و ۹۰.

۱۳. سومر، ص ۵۸۳.

14. Andrew Peacock, *The great Seljuk Empire* (Edinburgh: University press, 2015), p. 4; R. W Bulliet, «Numismatic evidence for the relationship between Tughril and Chagri Beg», in D. K kourmian (ed.), *near eastern numismatics, iconography, epigraphy and history, studies in honor of George C. Miles*, (Beirut: American university of Beirut, 1974), pp. 290-292.

۱۵. حسینی، ص ۴۶.

باستان بنامد.^۱ رونق مسابقات تیراندازی در این دوره موجب شده بود که راوندی به تشریح چگونگی گروه‌گذاری در هنگام اجرای این مسابقات بپردازد.^۲ اگرچه تیراندازی در حین تفریحاتی همچون شکار به نوعی دیگر انجام می‌شد، مهم‌ترین و مفرح‌ترین شیوه اشتغال به این سرگرمی، هدف قرار دادن اجسام بود که در قالب مسابقاتی مانند حلقه‌زنی (تیر گذراندن از حلقه‌ها) و قیق‌اندازی (تیر افکندن به هدفی کروی بر روی ستونی) صورت می‌گرفت.^۳

چوگان‌بازی

چوگان مطلوب‌ترین بازی محافل بزرگان بود.^۴ به‌رغم محبوبیت این سرگرمی، توصیه می‌شد به دلیل آسیب‌های جسمی زیادی که به همراه دارد، کمتر بدان پرداخته شود.^۵ در این دوره شهرهای بزرگی همچون همدان،^۶ دمشق،^۷ ری،^۸ بغداد^۹ و حلب دارای میدان‌های چوگان بودند.^{۱۰} برای بازی چوگان اسب‌های خاصی با عنوان «اسب چوگانی» وجود داشت که از سایر اسب‌ها متمایز می‌شدند.^{۱۱} در بسیاری از گزارش‌های موجود صرفاً از مهارت سلاطین سلجوقی همچون آلبارسلان، ملک شاه بزرگ، سنجر، مسعود، محمد دوم و سلیمان شاه در این تفریح سخن رفته است.^{۱۲} روایاتی نیز وجود دارند که ضمن تصدیق مهارت سلاطین سلجوقی در این بازی، از چوگان باختن ملک شاه اول، سنجر، محمد اول و سلیمان شاه حکایت می‌کنند.^{۱۳} شرط‌بندی و برگراری این تفریح در حضور طبقات مختلف مردم دو ویژگی مهم چوگان باختن بود که شور و هیجان آن را بالا می‌برد.^{۱۴} چوگان از تفریحات بسیار محبوبی بود که علاوه بر سلاطین سلجوقی، امیران، حاکمان محلی و اتابکان سلجوقی نیز به آن علاقه داشتند. امرا و حاکمان محلی باوندی از مهم‌ترین هم‌بازی‌های سلاطین بودند.^{۱۵} نورالدین محمود زنگی از اتابکان سلجوقی به‌اندازه‌ای در چوگان باختن زیاده‌روی می‌کرد که در افواه شایع شده بود که وی به

۱. برتولد اشیولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میراحمدی، ج ۲ (تهران: علمی فرهنگی، بی‌تا)، ص ۳۹۹.

۲. راوندی، ص ۴۲۹-۴۳۰.

۳. ابن واصل، ج ۱، ص ۳۲۰-۳۲۱.

۴. اشیولر، ج ۲، ص ۳۹۹.

۵. عنصرالمعالی، ص ۸۳.

۶. خواندمیر، ج ۲، ص ۵۳۴.

۷. ابن واصل، ج ۱، ص ۳۲۶.

۸. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۶۴.

۹. بنداری، ص ۹۰.

۱۰. ابن اثیر، ج ۲۳، ص ۱۳۳.

۱۱. ابن اسفندیار، ج ۳، ص ۱۲۲.

۱۲. راوندی، ص ۱۲۰، ۲۵۸؛ نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۶۱، ۶۴؛ همدانی، ص ۸۵.

۱۳. بنداری، ص ۹۰؛ نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۶۴؛ ابن اسفندیار، ج ۲، ص ۳۵-۳۶؛ ج ۳، ص ۹۰.

۱۴. ابن اسفندیار، ج ۳، ص ۳۶، ۹۰.

۱۵. نیشابوری، سلجوق‌نامه، ص ۶۴؛ ابن اسفندیار، ج ۳، ص ۹۰.

این بازی معتاد شده است.^۱

نرد و شطرنج

بازی‌های فکری همچون نرد و شطرنج از دیگر تفریحات مورد علاقه سلاطین و اشراف بود. قمی از نردبازی سلطان سنجر با یکی از امرايش موسوم به علی چتری سخن می‌گوید که با شرطبندی انجام گرفته بود.^۲ انوری نردبازی را یکی از پایه‌های ثابت مجالس مهمانی و شراب معرفی کرده است.^۳ در تأیید این ادعای انوری، همدانی از نردبازی در مجلسی یاد می‌کند که سلطان آلبارسلان به شکرانه پیروزی در نبرد ملازگرد تدارک دیده بود.^۴ معمولاً ندیمان سلاطین و شاهزادگان، از جمله شعرا، در این بازی سررشته داشتند تا بتوانند هم‌بازی مناسبی برای سلاطین و شاهزادگان باشند. همچنین شاهزادگان سلجوقی از سنین پایین اصول این بازی را فرا می‌گرفتند و بدان مشغول می‌شدند.^۵ به‌رغم جذابیت بیشتر بازی شطرنج نسبت به نرد، تنها یک گزارش در مورد اشتغال نظام‌الملک و همشینانش به این بازی وجود دارد. در این بازی نیز، به‌مانند نرد، شرطبندی صورت می‌گرفت.^۶ چون این بازی در اردوگاه سلطان برگزار می‌شد و وزیر هم به آن تمایل داشت، پس می‌توان گفت سلاطین سلجوقی نیز بدان توجه داشته‌اند. بنابراین، بازی شطرنج یکی از سرگرمی‌های سلاطین در مجالس بود.^۷

نتیجه‌گیری

دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد سلاطین سلجوقی به‌منظور گذراندن اوقات فراغت خویش، به هفت گونه تفریح شامل شکار، برپایی مجالس ضیافت و شراب، سیر و سیاحت در تفرج‌گاه‌ها و نقاط خوش‌آب‌وهوا، همشینی با دلکان و مسخرگان، اسب‌دوانی و تیراندازی، چوگان و نرد و شطرنج علاقه داشتند. البته همه سلاطین سلجوقی علاقه یکسانی به این تفریحات نداشتند. سرگرمی‌هایی همچون شکار، سیر و سیاحت، طنزپردازی، برپایی مجالس ضیافت و باده‌خواری و چوگان از محبوبیت بیشتری برخوردار بودند. در مقابل، از تفریحاتی مانند اسب‌دوانی، تیراندازی و نرد و شطرنج استقبال کم‌تری می‌شد. این سرگرمی‌ها را از نظر مطابقت با شریعت اسلام می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. در گروه نخست تفریحاتی قرار می‌گیرند که نه‌تنها با قوانین شرعی در مغایرت نبودند، بلکه بنا به دلایلی بسیاری

۱. ابن‌واصل، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲. قمی، ص ۸.

۳. انوری، ص ۲۸۶.

۴. همدانی، ص ۲۶.

۵. نظامی، ص ۶۸-۶۹.

۶. نظام‌الملک طوسی، ص ۱۳۰.

۷. انوری، ص ۲۸۶.

از آنها فضیلت نیز محسوب می‌شدند. شکار، مجالس مهمانی، سیر و سیاحت، اسب‌دوانی و تیراندازی، نرد و شطرنج و چوگان در ذیل این گروه بودند. گروه دوم شامل تفریحاتی است که به صورت کلی با شرع یا عرف مغایرت داشتند، یا اینکه بر چگونگی انجام دادن آنها ایراداتی وارد بود. شرابخواری و طنزپردازی در زمره این سرگرمی‌ها قرار می‌گرفتند.

کتابنامه

- ابن اسفندیار، محمد بن حسن. *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، ج ۳، تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶.
- ابن اثیر، عزالدین. *تاریخ کامل*، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ج ۲۲-۲۷، تهران: علمی، ۱۳۷۱.
- ابن بلخی، ابوزید. *فارسنامه*، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۴.
- ابن جبیر، احمد. *سفرنامه*، ترجمه پرویز اتابکی، تصحیح ویلیام رایت، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ابن الجوزی، ابی‌الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد. *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱۶، بیروت: بی‌نا، ۱۴۱۵ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. *العبر*، ترجمه عبدالحمید آیتی، ج ۴، ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ابن واصل، عمادالدین. *تاریخ ایوبیان*، ترجمه پرویز اتابکی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- اشپولر، برتولد. *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی، بی‌تا.
- انوری، اوحدالدین. *دیوان اشعار*، به کوشش سعید نفیسی، تهران: سکه و پیروز، ۱۳۶۴.
- بنداری، فتح بن علی. *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمدحسین جلیل، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۶.
- بیهقی، علی بن زید. *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۶.
- تتوی، احمد و آصف‌خان قزوینی. *تاریخ الفی*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- تاریخ آل سلجوق در آناتولی*، تصحیح نادره جلالی، تهران: آینه میراث، ۱۳۷۷.
- تاریخ سیستان*، تصحیح محمدتقی بهار، تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶.
- ترمذی، شهاب‌الدین. *دیوان اشعار*، مقدمه علی قویم، تهران: کتابفروشی خاور، ۱۳۳۱.
- جلیلی، عبدالواسع. *دیوان اشعار*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- جرجانی، اسماعیل. *ذخیره خوارزمشاهی*، ج ۳، قم: مؤسسه احیاء طب طبیعی، ۱۳۹۱.
- جوینی، عطاملک. *تاریخ جهانگشا*، تصحیح محمد قزوینی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۵.
- جوینی، علی بن احمد. *عنه‌الکتابه*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- حائری، مجدالدین محمد بن ابی‌طالب. *زینت المجالس*، تصحیح احمد احمدی، تهران: کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۴۲.
- حسینی، علی بن ناصر. *زبده التواریخ*، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۰.
- حسینی یزدی، محمد بن عبدالله. *العراضه فی الحکایه السلجوقیه*، القاهره: مطبعة المعارف، ۱۳۲۶.

- حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود، *ریاض الفردوس خانی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۵.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. *دستور الوزرا*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال، ۱۳۵۵.
- مأثر الملوک، تهران: رسا، ۱۳۷۲، ۱۳۵۵.
- راوندی، محمد. *راحه الصدور و آیه السرور*، تصحیح محمد اقبال، تهران: علمی، ۱۳۶۳.
- راوندی، مرتضی. *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۷، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۷.
- سبکی، تاج‌الدین. *معید النعم و و مبیذ النقم*، مقدمه له صلاح‌الدین الهواری، بیروت: المکتبه العصریه، ۱۴۲۸ ق.
- سومر، فاروق. *تاریخ غزها*، ترجمه وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- سوزنی، شمس‌الدین. *دیوان اشعار*، تصحیح ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۳۸.
- شبانکاره‌ای، محمد. *مجمع الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- شیرازی، شجاع. *انیس الناس*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- عطاری، فریدالدین. *الهی‌نامه*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ۱۳۸۸.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر. *قابوس‌نامه*، تصحیح امین‌الدین بدری، تهران: کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۵.
- غزالی، محمد. *کیمیای سعادت*، به کوشش حسین خدیوچم، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- غفاری کاشانی، احمد بن محمد. *تاریخ نگارستان*، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتابفروشی حافظ، ۱۴۰۴ ق.
- فلور، ویلم. *تاریخ اجتماعی روابط جنسی در ایران*، ترجمه محسن مینوخر، استکهلم: فردوسی، ۲۰۱۰ م.
- قمی، نجم‌الدین. *تاریخ الوزرا*، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۳.
- قلقشندی، ابوالعباس. *مأثر الانافه فی معالم الخلافه*، تحقیق عبدالستار احمد فرج، بیروت: عالم الکتب، بی‌تا.
- کرمانی، افضل‌الدین. *سلجوقیان و غز در کرمان*، تحریر میرزا محمد ابراهیم خیبری، مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: کورش، ۱۳۷۳.
- گازرگاهی، امیر کمال‌الدین حسین. *مجالس العشاق*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین، ۱۳۷۶.
- گدی، دیوید دیوران. «تاریخ اصفهان درباره جامعه ایران در عصر سلجوقی‌ها به ما چه می‌گوید»، در *سلجوقیان*، ویراستار و گردآورنده ادموند هرتسیک و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: مرکز، ۱۳۹۵.
- گروسه، رنه. *امپراتوری صحرائوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۵.
- گومیلف، لئو نیکلایوویچ. *تاریخ توران*، ترجمه پرویز زارع‌شاهمرسی، تبریز: اختر، ۱۳۹۶.
- لامعی گرگانی، ابوالحسن. *دیوان اشعار*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: اشرفی، ۱۳۵۵.
- لمبتون، آن. *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیر کبیر، ۱۳۹۱.
- مراغی، عبدالهادی. *منافع الحيوان*، به کوشش محمد روشن، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۸.
- مقدسی، ابو عبدالله. *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۲، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.
- مستوفی، حمدالله. *نزه القلوب*، تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- معزی، محمد. *دیوان اشعار*، به کوشش عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۱۸.
- میرخوانده، محمد بن خاوندشاه بن محمود. *روضه الصفا*، تصحیح جمشید کیانفر، ج ۴، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.

نسوی، ابوالحسن. *بازنامه؛ با مقدمه در صید و آداب آن در ایران تا قرن هفتم هجری*، نگارش و تصحیح علی غروی، تهران: انتشارات مرکز مردم‌شناسی، ۱۳۵۴.

نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن. *سیاست‌نامه*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.

نظامی، احمد بن عمر. *چهار مقاله*، تصحیح محمد قزوینی، به کوشش محمد معین، تهران: ارمغان، بی‌تا.

نیشابوری، ظهیرالدین. *سلجوق‌نامه*، تصحیح میرزا اسماعیل افشار و محمد رضانی، تهران: اساطیر، ۱۳۹۰.

نیشابوری، ابوالحسن. *شکارنامه خسروی*، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۶، ش ۱۲۶۴۶، شماره ثبت ۸۸۰۵۴، وفا، جعفر، «دین و تفریحات (۱)»، *پیام*، ش ۱۰۴ (۱۳۸۹)، ص ۸۶-۱۰۳.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. *جامع‌التواریخ (تاریخ آل سلجوق)*، تصحیح محمد روشن، ج ۲، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.

میراث مکتوب، ۱۳۹۲.

یزدی، شهاب‌الدین حسن. *جامع‌التواریخ حسنی*، تصحیح بُلنت اوزقوزو گودنلی، تهران: ترجمه و نشر آثار هنری متن، ۱۳۹۹.

Bulliet, R. W. »Numismatic evidence for the relationship between Tughril and Chagri Beg«, in D. K koumjian (ed.), *near eastern numismatics, iconography, epigraphy and history, studies in honor of George C. Miles*, Beirut: American university of Beirut, 1974, pp. 290-292.

Peacock, Andrew. *The great seljuk empire*, edinburgh: university press, 2015.

Floor. W. *Games Persians play*, Washington: mage publishers, 2011.

Guedy, D. D. »New Trends in The Political History of Iran Under the Great Saljuqs (11th-12th Centuries)«, *History Compass*, 13/7, 2015, pp. 321-327.